

حضرت زهراء علیها السلام و فرزندانش جلوه‌ای از اعجاز قرآن

عبدالکریم پاک نیا تبریزی

مقدمه

خیر و برکت در جامعه اسلامی بوده است.

۳. نگاهی به فضایل حضرت فاطمه علیها السلام و فرزندان.

۴. احترام به فرزندان حضرت زهراء علیها السلام مشروط به این است که آنان خود را به گناه نیالایند و همیشه در احیای معارف اسلامی و تحقق منویات اجداد پاک و مطهرشان کوشیده و دنباله رو راستین خط فکری آنان باشند؛ و گرنه، نه تنها محترم نبوده؛ بلکه - طبق دستور قرآن و سنت - از جامعه اسلامی طرد خواهند شد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * أَنَا أَعْطَيْتُكَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ * إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ

این نوشتار، مرکب از چهار بخش مهم است:

۱. اثبات اینکه مناسب‌ترین معنای کوثر حضرت زهراء علیها السلام و نسل پاک او، و آن وجود گرمی از بارزترین و ملموس‌ترین جلوه‌های اعجاز قرآن است.
۲. طبق وعده قطعی قرآن، نسل آن حضرت - بر خلاف اندیشه شوم مخالفان - همواره رو به افزایش و مایه

پیامبر^{صلی الله علیه و آله} در مقابل نسل حضرت زهرا^{علیها السلام}. به این سبب می‌توان وجود مقدس حضرت زهرا^{علیها السلام} را یکی از بارزترین جلوه‌های اعجاز قرآن قلمداد کرد.

از منظر مفسران شیعی

گرچه برای کوثر، معانی مختلفی گفته‌اند؛ از جمله اینکه «کوثر» حوضی معروف در رستاخیز یا سرای آخرت و یا نهر مشهوری در بهشت است یا به معنای شفاعت، قرآن، نبوت، خیر کثیر، خیر دنیا و آخرت و غیر اینهاست؛ اما قراین^(۱) نشان می‌دهد که «کوثر» بر وزن «فوعل» به مفهوم یک سرمایه ارزشمند و پایان‌ناپذیر، یا خیر و برکت بسیار است، که از منظر مفسران معروف اسلامی می‌تواند، وجود حضرت فاطمه^{علیها السلام} و فرزندان آن گرامی، مصداق اتم کوثر باشد. برخی از نظریات مفسران را در این باره می‌خوانیم:

— شیخ طبرسی مشهورترین مفسر عالم تشیع در «مجمع البیان» شأن نزول سوره کوثر را این‌گونه آورده است: مفسران از ابن عباس نقل کرده‌اند که سوره کوثر در باره عاص بن وائل سهمی

حضرت زهرا^{علیها السلام} مصداق اتم

سوره کوثر

ای فاطمه، ای عزیز داور

ای معنی جاودان کوثر

ای گنج هزار گونه گوهر

وی خوانده تو را خدای، کوثر

نسل تو، نگاهبان دین است

بر تاج تو، یازده نکین است

خداوند سبحان در این سوره، از اعطای کوثر به حضرت محمد^{صلی الله علیه و آله} سخن می‌گوید. بسیاری از مفسران قرآن، در تفسیر سوره کوثر، یکی از معانی کوثر را نسل پربرکت و ماندگار فاطمه^{علیها السلام} دانسته‌اند که علاوه بر امامان معصوم^{علیهم السلام}، شامل رهبران شایسته، علمای فرزانه و شخصیت‌های ممتاز از نسل پاک فاطمی می‌شود و در طول تاریخ، جوامع مختلف از آنها بهره‌ها برده‌اند. سوره کوثر درباره حضرت زهرا^{علیها السلام} دو خبر غیبی بیان می‌کند که هر دو ملازم هم و از معجزات مهم کلام وحی هستند که در پاسداری از حریم فرهنگ قرآن نقش بزرگی ایفا کرده‌اند: ۱. فراوانی و بقای نسل رسول الله^{صلی الله علیه و آله} از طریق فاطمه^{علیها السلام}؛

۲. ابتر بودن نسل مخالفان

۱. این قراین در کلمات مفسران خواهد آمد.

شمارش آنان امکان‌پذیر نیست و این برکت تا روز رستاخیز ادامه خواهد داشت.^(۲)

- شیخ ابوالفتوح رازی، مفسر بزرگ شیعی و از متکلمان امامیه در سده ششم هجری - که کهن‌ترین و مشروح‌ترین تفسیر شیعی به فارسی را در سالهای ۵۱۰ - ۵۳۳ به جامعه قرآنی عرضه کرده است - بر این باور است که از مهم‌ترین معانی کوثر، فرزندان پیامبر ﷺ از نسل حضرت فاطمه ﷺ هستند. او در معنای سوره کوثر می‌گوید: «یعنی دل، تنگ مکن از آنچه تو را اُبتَر می‌خوانند که ما تو را کثرتی دهیم در عقب و نسل و فرزندان، که بر زمین هیچ بقعه‌ای و خطه‌ای نماند و الا آنجا جماعتی از فرزندان تو باشند. نبینی که روز طفّ کربلا که آن جماعت اهل بیت ﷺ را بکشند از فرزندان حسین ﷺ، جز علی اکبر - زین العابدین ﷺ - نماند. خدای تعالی تنها از نسل او، عالم را پرکرد. اکنون تو شکر کن خدای را و نماز بخوان و روز عید شتر بکش، که

نازل شده و این موقعی بود که رسول خدا ﷺ از مسجد بیرون می‌آید که عاص؛ حضرت را در نزدیکی در بنی سهم دید و با آن گرامی، ملاقات و گفتگو کرد. این در حالی بود که عده‌ای از بزرگان قریش در مسجد نشسته بودند. چون عاص به جمع آنها پیوست، پرسیدند: «با کی صحبت می‌کردی؟» گفت: «با این اُبتَر. این ماجرا بعد از فوت عبد الله، فرزند رسول خدا ﷺ و خدیجه ﷺ بود و طبق رسم و عادت عرب جاهلی، کسی را که پسر نداشت اُبتَر می‌نامیدند.» قریش هم در موقع مرگ عبدالله، آن بزرگوار را اُبتَر و صنوبر نامیدند. (و صنوبر به شخصی می‌گویند که برادر و فرزندی نداشته باشد).^(۱)

آن‌گاه «طبرسی» درباره‌ی واژه «کوثر» می‌نویسد: برخی برآنند که کوثر به مفهوم خیر و نیکی بسیار است و برخی دیگر بر این باورند که به معنای زیادی و فراوانی نسل و فرزند است. این معنا در نسل پاک پیامبر ﷺ و فرزندان فاطمه ﷺ آشکار شده است؛ به گونه‌ای که امروزه،

۲. همان.

۳. و وجود مقدس امام محمد باقر ﷺ که کودکی بیش نبود.

۱. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی فضل بن حسن طبرسی، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲، ش، ج ۱۰، ص ۸۳۶ در ذیل آیه.



اینکه در آخر سوره فرمود: «إِنَّ شَانِكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» با در نظر گرفتن اینکه کلمه «ابتر» در ظاهر به معنای «اجاق کور» است و نیز با در نظر گرفتن اینکه جمله مذکور از باب قصر قلب است، چنین به دست می آید که منظور از کوثر، تنها کثرت ذریه ای است که خدای تعالی به آن جناب ارزانی داشته، (و برکتی است که در نسل آن جناب قرار داده)، و یا مراد، هم خیر کثیر است و هم کثرت ذریه، چیزی که هست، کثرت ذریه، یکی از مصادیق خیر کثیر است. و اگر مراد، مسئله ذریه به استقلال و یا به طور ضمنی نبود، آوردن کلمه «ان» در جمله «إِنَّ شَانِكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» فایده ای نداشت؛ زیرا کلمه «ان» علاوه بر تحقیق، تعلیل را هم می رساند و معنا ندارد، بفرماید ما به تو حوض دادیم؛ زیرا بدگوی تو اجاق کور است و یا بی خبر است.^(۳)

و چون جمله «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ» در مقام منت نهادن است و با لفظ متکلم مع العیر آمده که بر عظمت دلالت می کند و چون منظور از آن، خوشدل ساختن رسول خدا ﷺ است، مطلب را با واژه

ق، ج ۲۰، ص ۳۷۱.

۳. همان، در تفسیر آیه.

دشمنان و عیبان تو، ابتر و دنبال بریده خواهند بودن، تا از آنان که این گفتند، در جهان ایشان را و اعقاب ایشان را اثر نماند.^(۱)

- علامه طباطبایی نیز می فرماید: عبارات این سوره و قراین و دلالات آن روشن می کند که مقصود از کوثر، فرزندان و ذریه های حضرت زهرا ﷺ است. و این سوره، یکی از معجزات قرآن در عرصه پیشگویی و آگاهیهای غیبی است؛ زیرا اگر به دقت بنگریم متوجه خواهیم شد که هیچ نسلی به اندازه نسل فاطمه ﷺ در طول تاریخ، اصیل، ریشه دار، ماندگار و فراوان نبوده است. با آن همه، مشکلاتی که برایشان پیش آوردند و اعمال فشار و اختناق و سرکوب که درباره فرزندان حضرت فاطمه به دست خلفای ستمگر انجام شد، باز هم آمار فرزندان حضرت زهرا ﷺ از همه نسلهای بشر در عالم بیش تر است.^(۲)

۱. رَوْضُ الْجَنَانِ وَ رَوْحُ الْجَنَانِ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ، ابوالفتوح حسین بن علی رازی، نشر بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۰۸ ق، ج ۲۰، ص ۲۸.

۲. المیزان فی تفسیر القرآن، علامه سید محمد حسین طباطبایی، انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۷

نسلی عنایت می‌کند که در طول تاریخ، جاویدان خواهند ماند. وقتی به تاریخ پرفراز و نشیب اسلام نگاه می‌کنیم می‌بینیم افراد زیادی از نسل خاتم انبیا علیهم‌السلام به شهادت رسیده‌اند؛ اما جهان، همچنان شاهد افزایش نسل پیامبر از طریق حضرت فاطمه علیها‌السلام است. و چه تعداد از آنان از بزرگان و متفکران جهان بشریت هستند. کسانی همانند امام باقر، امام صادق، امام کاظم، امام رضا علیهم‌السلام و محمد نفس زکیه در میان آنان هستند.^(۲)

- سید محمود آلوسی بغدادی از مفسران نامدار اهل سنت، در تفسیر اجتهادی و عرفانی خود می‌نویسد: می‌توان یکی از معانی کوثر را زیادی فرزندان رسول گرامی اسلام علیهم‌السلام دانست؛ زیرا عیبجویی دشمنان به دلیل فقدان فرزند آن حضرت بوده است. او در معنای آیه می‌گوید: ای رسول! دشمن

۲. القول الثالث: الكوثر أولاده قالوا: لأن هذه السورة إنما نزلت ردا على من عابه عليه السلام بعدم الأولاد، فالمعنى أنه يعطيه نسلا يبقون على مر الزمان، فانظر كم قتل من أهل البيت، ثم العالم ممتلئ منهم، ولم يبق من بنى أمية في الدنيا أحد يعاب به، ثم انظر كم كان فيهم من الأكابر من العلماء كالباقر والصادق والكاظم والرضا عليهم السلام والنفس الزكية وأمثالهم القول (مفاتيح الغيب، تفسير كبير، فخر رازی، ج ۳۲، ص ۳۱۳).

اعطا - که ظاهر در تملیک است - بیان کرد و فرمود: «ما به تو کوثر عطا کردیم» و این جمله از این دلالت خالی نیست که فرزندان فاطمه علیها‌السلام ذریه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند، و این خود یکی از خبرهای غیبی قرآن کریم است؛ چون همان‌گونه که می‌بینیم خدای تعالی بعد از درگذشت آن حضرت، برکتی در نسل آن جناب قرار داد، به طوری که در همه عالم، هیچ نسلی، معادل آن دیده نمی‌شود؛ آن هم با آن همه بلاها که بر سر ذریه آن جناب آوردند و گروه گروه از ایشان را کشتند.^(۱)

معنای «کوثر» از دیدگاه

مفسران اهل سنت

- فخر رازی، مفسر بزرگ اهل سنت نیز درباره یکی از معانی کوثر می‌گوید: منظور از کوثر، فرزندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم (از طریق حضرت فاطمه علیها‌السلام) است؛ زیرا این سوره در ردّ کسانی نازل شده است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به دلیل نداشتن فرزندان، مورد طعن و شماتت قرار می‌دادند؛ به این سبب معنای آیه، این است که خداوند برای تو فرزندان و



و اعصار به یادگار بمانند و همچنان که در تاریخ مشاهده می‌کنیم با وجود اینکه چقدر از خاندان وحی و رسالت را برای دفاع از ارزشهای انسانی و اسلام به خاک و خون کشیدند و با این وصف جهان از نسل پیامبر ﷺ آکنده است و در آسمان اسلام و جهان می‌درخشند؛ در حالی که از دشمنان کینه‌توز و بداندیش پیامبر ﷺ همچون «امویان» کسی باقی نمانده است که شایسته نام بردن باشد.

همچنان که مفسرین بزرگ گفته‌اند آیه «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَثَرُ» صریح‌ترین قرینه است که مراد از کوثر، فاطمه زهرا ﷺ است؛ زیرا در مقابل ابتر، بهترین معنا برای کوثر فرزندان بیشمار است که در طول تاریخ، مصداق کامل خیر کثیرند که رسالت رسول ﷺ از طریق فرزندان فاطمه و اوصیاء ﷺ در جهان بشریت باقی مانده و خواهد ماند.

بسیج دشمن برای نابودی

نسل کوثر

یعد از رحلت پیامبر گرامی اسلام ﷺ، هنگامی که دخترش صدیقه طاهره ﷺ، سر در بستر شهادت نهاد، تنها دو پسر به نام «حسن» و «حسین» و دو

توهر که باشد ابتر و دم‌بریده خواهد بود و نسل و یادش تداوم نخواهد داشت؛ اما نسل و ذریه و یاد و نام و فضایل تو، توسط فرزندان تا روز قیامت باقی خواهد ماند.^(۱)

- قاضی ناصرالدین عبدالله بن عمر بیضاوی از دیگر مفسران برجسته اهل سنت^(۲)، در تفسیر خود به نام أنوار التنزیل و أسرار التأویل که معروف به تفسیر بیضاوی است، به این معنای کوثر اشاره کرده و زیدادی فرزندان و پیروان حضرت رسول ﷺ را در شمار معانی کوثر ذکر کرده است.^(۳)

با توجه به سخنان فوق، پیام این سوره شریفه، خیلی روشن است که خداوند به پیامبرش نسل سرفرازی ارزانی خواهد فرمود که در طول قرون

۱. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، آلوسی سید محمود، نشر دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۵، ص ۴۸۱ و ۴۸۲.
۲. عبدالله بن عمر بن محمد بیضاوی شیرازی، از دانشمندان و اساتید بزرگ آذربایجان و قاضی القضاة شیراز، وی در تبریز به سال ۶۸۵ هجری قمری وفات کرد. وفات وی را ۶۹۱ ق دانسته‌اند. وی در تبریز مدفون است.
۳. أنوار التنزیل و أسرار التأویل، عبدالله بن محمد بن علی بیضاوی شیرازی، نشر دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸ ق، ج ۵، ص ۳۴۲.

خاندان وحی و رسالت به ظالمانه‌ترین ابعاد و بدترین و بی‌رحمانه‌ترین اشکال، به مدت دو قرن ادامه یافت. آنها جنایات هولناک خود را با شهادت حضرت عسکری علیه السلام به اوج رساندند؛ اما با همه شقاوتهای امویان و عباسیان، نسل پاک پیامبر صلی الله علیه و آله از طریق حضرت فاطمه علیها السلام رو به فزونی نهاد و بسان مشعل درخشانی نورافشانی کرد.

پس از عباسیان، «صلاح‌الدین ایوبی» و دار و دسته‌اش آمدند و آنان نیز در کشتار خاندان پیامبر و نابود ساختن راه و رسم شیعیان آنان، سیاست شوم امویان و عباسیان را پی گرفتند؛ برای نمونه در مغرب عربی به چنان کشتارهای دسته‌جمعی دست یازیدند که انسان از شنیدن گزارش آن جنایات‌ها در حق پیروان و بستگان اهل بیت علیهم السلام به خود می‌لرزد؛ اما با همه این کشتارها خداوند در نسل پاک و سرفرازش بانوی برکت قرار داد و او را چشمه‌ی جوشان خیر فراوان و برکات بسیار ساخت.^(۱)

۱. فاطمه الزهراء از ولادت تا شهادت، سید محمد کاظم قزوینی، نشر مرتضی، ۱۳۷۷ش، ص ۱۱۶.

دختر به نام «زینب» و «ام‌کلثوم» از او به یادگار ماند. پس از مدتی هم رخداد غمبار عاشورا رخ داد و همه فرزندان حسین علیه السلام، جز امام چهارم و پنجم علیهم السلام و از فرزندان امام «حسن» علیه السلام نیز - طبق برخی روایات - هفت تن و از «زینب» نیز دو فرزندش به شهادت و از دختر دیگر آن حضرت هم - طبق قول مشهور - فرزندی به یادگار نماند.

پس از حادثه دردناک و غمبار عاشورا، رخدادهای ناگوار دیگری پدید آمد و کشتارها و خونریزی‌ها، از نسل پاک پیامبر ادامه یافت. رخداد سهمگین «حره» تا شهادت «زید شهید» و یارانش، و حادثه «فخ» تا تار و مار و آواره ساختن «علویان» یکی از پی‌دیگری‌ها و وقوع پیوست؛ اما با همه این جنایات و سفاکیهای سباهکاران اموی، نسل پاک و سرفراز پیامبر به حیات افتخارآفرین خویش ادامه داد.

پس از امویان نوبت به عباسیان رسید. آنان نیز در بیداد و شقاوت و پیکار بی‌رحمانه با فرزندان حضرت زهرا علیها السلام اطهر و تلاش در ریشه‌کن ساختن آنان، چیزی کم نگذاشتند. مبارزه آنها با



جاودانه پیامبر است در سراسر جهان حضور دارد و همه جا منتشر شده است.

به گواهی محققان، شمار این نسل سرفراز در عراق به یک میلیون نفر، در ایران به سه میلیون نفر، در مصر به حدود پنج میلیون، در مراکش و مغرب عربی به پنج میلیون نفر، در الجزایر و تونس و لیبی نیز همین گونه، در اردن، سوریه، لبنان، سودان، کشورهای خلیج و عربستان به میلیون‌ها نفر، و در یمن، هند، پاکستان، افغانستان و جزائر اندونزی به حدود ۰۲ میلیون انسان می‌رسد و کمتر کشور اسلامی است که در آن از این نسل سرفراز حضور نداشته باشد و امروزه شمار آنان بیش از چهل میلیون نفر است. و این، همان معجزه قرآن است که در ضمن الهام غیبی و وعده‌ای حتمی، خبر از الطاف خفیه خداوند به پیامبر ﷺ و حضرت زهرا ﷺ داده است؛ البته اگر سرشماری دقیق و آمارگیری صحیح بین‌المللی در سرتاسر گیتی انجام پذیرد، بی‌تردید شمار آنان از این هم افزون‌تر خواهد بود.

آری این شمار عظیم، همه از نسل

حضرت فاطمه، چشمه‌سار

برکات الهی

بزمی به حرم کبریا برپا شد

کوثر ز خدا به مصطفی اعطا شد

هر قطره ز آب کوثر افتاد به خاک

صد شاخه گل محمدی پیدا شد

با وجود قلع و قمع بی‌رحمانه فرزندان زهرا ﷺ، خدای جهان‌آفرین، همچنان که در وجود گرانمایه بانوی بانوان، انواع برکات را قرار داد و نسل پرافتخار پیامبر را از او آفرید و خیر بسیاری در نسل او قرار داد همچنان در حفظ و نگهداری یاد و نام و تبار پاک آن بانوی گرامی به وعده‌اش عمل کرد و - و همانند آیات وحی - آن را روز به روز درخشان‌تر و پایدارتر حفظ کرد و این، همان خصوصیت ممتاز حضرت فاطمه ﷺ که دارا بودن صفت کوثر (خیر کثیر) و لقب مبارکه (دارای نسل پر برکت) است.

آماری از فرزندان حضرت

زهرا ﷺ

طبق همین نوید آسمانی قرآن، با یک نگرشی کوتاه متوجه می‌شویم که نسل پاک بانوی بانوان که همان نسل

افسرده دلان، بیماران و حاجتمندان با هزاران امید و آرزو به این مکانهای مقدس گام نهاده‌اند و روح و جان خود را صفا می‌بخشند و این تفسیر کوثر است که خداوند متعال فاطمه علیها السلام و نسل فاطمه را برای پیامبر صلی الله علیه و آله و امت او خیر کثیر و منشأ برکات قرار داده و هدیه کرده است.

در هر صورت، نسل پربرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از طریق فاطمه علیها السلام یکی از مهم‌ترین معجزات قرآن و جلوه‌ای از اعجاز اهل بیت علیهم السلام است. نسل پربرتی که چهره‌های درخشان آنان در سرتاسر گیتی می‌درخشند و عطر دل‌انگیز علم و تقوا و نیکی را به حق‌جویان عالم هدیه می‌دهند. در مقابل، تمام کسانی که به فرزندان حضرت فاطمه آزار رسانده و به قتل و کشتار آنان پرداخته‌اند، نابود شده‌اند و هیچ‌گونه اثری از آنان دیده نمی‌شود و این همان تفسیر «**إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ**» است.

در اینجا به برخی از بزرگان و شخصیت‌های والا مقامی اشاره می‌کنیم که مصداق کوثر و نسل فاطمه زهرا علیها السلام هستند و در طول تاریخ، همانند آفتاب

سرفراز پیامبر صلی الله علیه و آله از طرف امیرمؤمنان علیه السلام و دخت فرزانه پیامبر فاطمه علیها السلام است که در میان آنان، شخصیت‌های برجسته‌ای از رهبران بزرگ سیاسی، دانشمندان بزرگ، نویسندگان، زمامداران و وزیران، نوابغ و چهره‌های برجسته در میدانهای گوناگون، وجود دارد. گفتنی است که اکثر این نسل جاودانه و ریشه‌دار، به این پیوند و خویشاوندی خود ارج نهاده و با آگاهی کامل بر آن می‌بالند و افتخار می‌کنند و تعداد اندکی هم توجهی به این راز شرافت و عظمت اجداد خود ندارند.^(۱)

جایگاه و نقش امامزادگان

در کشورهای اسلامی به ویژه کشور ایران که از صدر اسلام، مأمّن و پناهگاه فرزندان فاطمه علیها السلام در عصرهای خفقان بوده است. در هر نقطه‌ای یکی از نوادگان حضرت فاطمه آرمیده است که محل آرامش و کانون اجتماع شیفتگان آل محمد صلی الله علیه و آله است. این امامزادگان چنان عظمت و ابهت دارند که بهترین و پاک‌ترین نقطه هر شهر و دیاری محسوب می‌شوند. گرفتاران،



اللَّهِ لِي أَسْوَأَ حَسَنَةً»^(۱) دختر رسول خدا ﷺ برای من، الگوی نیکو و شایسته است و جهان هستی، مدیون وجود آن گرامی بوده و خواهد بود.»

همچنین فرزندان و نوادگان ائمه اطهار ﷺ چه در زمان خود و چه بعد از عصر ائمه و چه در حال زنده بودن و یا بعد از مرگشان، همه و همه افتخار جهان اسلام و مایه خیر و برکت برای عالمیان بوده‌اند. ستارگانی همچون: سیدرضی، سید مرتضی، سید بن طاوس، سید نعمت الله جزائری، سید محمد مجاهد، سید علی خان کبیر سید بحر العلوم، سید جواد عاملی، سید عبدالله شبر، سید محمد کاظم یزدی، سید محمد حسن شیرازی معروف به «میرزای

شیرازی»، سید جمال‌الدین اسدآبادی، سید حسن مدرس، سید شرف‌الدین عاملی، آیت الله بروجردی، سید محسن امین، سید ابوالحسن اصفهانی، شهید نواب صفوی، علامه طباطبائی، آیت الله خوئی، سید محمد باقر صدر، آیت الله

۱. الغیبة، شیخ طوسی، مؤسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۱ ق، ص ۲۸۵ و بحار الأنوار، علامه محمد باقر مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق، ج ۵۳، ص ۱۷۸، باب ما خرج من تویعاته ﷺ.

در هر صورت، نسل پربرکت پیامبر اکرم ﷺ از طریق فاطمه ﷺ یکی از مهم‌ترین معجزات قرآن و جلوه‌ای از اعجاز اهل بیت ﷺ است. نسل پربرکتی که چهره‌های درخشان آنان در سرتاسر گیتی می‌درخشند و عطر دل‌انگیز علم و تقوا و نیکی را به حق جویان عالم هدیه می‌دهند.

درخشان به محافل تاریک و ظلمانی، روشنائی بخشیده‌اند و امروزه نیز ما از نتایج زحمات و برکات وجودشان بهره می‌بریم: افزون بر وجود یازده امام معصوم که افتخار جهان بشریت و مایه هدایت انسانهای جهان هستی می‌باشند.

به‌ویژه وجود حضرت مهدی ﷺ که همواره به مادرش فاطمه زهرا ﷺ افتخار کرده است و می‌فرماید: «فِي ابْنَةِ رَسُولِ

فرزندان مرا گرامی بدارید و آداب و سستی‌هایم را خوب یاد بگیرید.»^(۲) و در روایتی دیگر فرمود: «أَحِبُّوا أَوْلَادِي الصَّالِحِينَ لِلَّهِ وَالطَّالِحِينَ لِي»^(۳) فرزندانم را برای دوست بدارید نیکان و صالحین را برای خدا و بدانشان نیز به خاطر من.»

درباره فضایل فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام روایات فراوانی وجود دارد که ما فقط به نقل چند روایت دیگر اکتفا می‌کنیم:

- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ أَكْرَمَ أَوْلَادِي فَقَدْ أَكْرَمَنِي»^(۴) هر کس فرزندان مرا اکرام کند، همانا که خودم را مورد تکریم قرار داده است و احترام فرزندانم همانند احترام من است.»

- آن حضرت در روایت دیگری فرمود: «حَقَّتْ شَفَاعَتِي لِمَنْ أَحَبَّ دُرِّيَّتِي بِنِدَاهِ وَ لِسَانِهِ وَ مَالِهِ»^(۵) شفاعت من، شایسته کسانی است که ذریه و فرزندانم را با دست و زبان و اموالش یاری کند.»

رسول اعظم اسلام صلی الله علیه و آله در توضیح و تبیین آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا

مرعشی نجفی، حضرت امام خمینی، حضرت آیت الله خامنه‌ای، سید حسن نصرالله و صدها عالم، دانشمند، فقیه، شاعر، حاکم و سیاستمدار اندیشمند از سادات، همه از برکات وجودی حضرت زهرا علیها السلام هستند که عالم هستی از وجودشان بهره‌مند بوده و هست.

فضایل فرزندان فاطمه علیها السلام

در باره عظمت نسل پیامبر صلی الله علیه و آله که از طریق حضرت فاطمه تداوم یافته است، روایات فراوانی به چشم می‌خورد و علاوه بر وجود مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله امامان معصوم نیز به فضایل نسل فاطمه علیها السلام در مناسبت‌های مختلف پرداخته‌اند.

خداوند متعال به احترام رسول خدا صلی الله علیه و آله و فاطمه زهرا علیها السلام مقام ویژه‌ای برای فرزندان آن حضرت قرار داده است که از جمله آن تخصیص نصف خمس به سادات است. همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت به اکرام فرزندان فاطمه فرمود: «أَكْرِمُوا أَوْلَادِي وَ حَسِّنُوا آدَابِي»^(۱)

۲. همان

۳. همان

۴. همان.

۵. همان.

۱. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، مؤسسه آل‌البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۲، ص ۳۷۶، باب تأکد استحباب اصطناع المعروف الی العلویین و السادات.



امام حسن علیه السلام و پدرم امام حسین علیه السلام در کوچه‌های مدینه می‌رفتیم. جابر بن عبدالله انصاری و انس بن مالک انصاری در میان جمعی از مهاجر و انصار با آن بزرگوار برخورد کردند. جابر بی‌اختیار خود را به دست و پای آن دو فرزند فاطمه علیهما السلام انداخت و غرق بوسه ساخت. مردی از بنی مروان به جابر اعتراض کرد که تو با این کهنسالی و مصاحبت پیامبر صلی الله علیه و آله این‌گونه عمل می‌کنی؟! جابر گفت: «اگر آن اندازه که من از فضیلت و موقعیت آنان می‌دانم تو نیز می‌دانستی بر خاک قدمهایشان بوسه می‌زدی! بعد از رفتن حسنین علیهم السلام، جابر به جمع حاضر گفت که روزی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله سخن از عظمت این فرزندان فاطمه به میان آمد و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند بزرگ، وقتی که خواست مرا بیافریند، نطفه مرا در صلب پدرم آدم قرار داد و دائماً آن را از صلبی پاک به رحمی پاکیزه منتقل کرد تا نوح و ابراهیم و عبدالمطلب. هرگز از آلودگیهای جاهلیت چیزی به من نرسید. در نهایت، آن نطفه دو بخش شد: یک قسمت در صلب عبدالله (پدرم) و قسمتی دیگر در صلب

المَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^(۱) (ای پیامبر! بگو من هیچ پاداشی از شما درباره رسالت نمی‌خواهم، جز دوست داشتن اهل بیتم.) می‌فرماید: «خداوند متعال ذریه هر پیامبری را از نسل و صلب خود او قرار داد؛ اما ذریه مرا از صلب من و صلب علی بن ابی‌طالب مقرر فرمود. در میان مردم، فرزندان هر دختری را به پدرشان منتسب می‌کنند؛ ولی فرزندان فاطمه علیها السلام منسوب به من هستند.»^(۲)

- آن حضرت در روایت دیگری فرمود: «إِنَّ فَاطِمَةَ أَخْصَتْ فُرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّيَّتَهَا عَلَى النَّارِ»^(۳) فاطمه پاکدامن است و خدا نیز آتش جهنم را بر فرزندان او حرام کرده است.

- امام سجاد علیه السلام می‌فرماید که در همان سالی که امام حسن علیه السلام به شهادت رسید، من کودک بودم و به دنبال عمویم

۱. شوری/ ۲۳.

۲. میزان الاعتدال، محمد بن احمد الذهبی، تحقیق: علی محمد البجاوی، ۱۳۸۲ ق، نشر دار المعرفه للطباعة والنشر، لبنان، ج ۲، ص ۵۸۶؛ مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ابن شهر آشوب مازندرانی، مؤسسه انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ ق، ج ۳، ص ۱۵۸.

۳. بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۰، باب مناقبها و فضائلها. البته در برخی روایات این سخن ادامه دارد که: وَ اللَّهُ مَا ذَلِكَ إِلَّا لِلْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ وُلِدَ بَطْنُهَا خَاصَّةً. (همان، ص ۲۳).

ابوطالب (عمویم) نهاده شد. از آن نطفه پاک و نورانی عبدالله، مرا به وجود آورد که خاتم پیامبرانم و از ابوطالب، علی علیه السلام به وجود آمد که وصی آخرین پیامبر صلی الله علیه و آله است. نطفه من و علی جمع شدند و حسن و حسین پدید آمدند که آخرین سبط پیامبران هستند و خداوند، نسل مرا از آن دو (از طریق علی و فاطمه علیهم السلام) تداوم بخشید. از نسل حسین علیه السلام نیز در آخر الزمان مهدی علیه السلام به پاخیزد که شهرها و سرزمینهای کفار را فتح کند و زمین را بعد از آنکه از ظلم و جور پر شده است، از عدل و داد پر کند. حسن و حسین، پاک و مطهر و سرور جوانان اهل بهشت‌اند؛ خوشا به حال کسی که آن دو و پدر و مادرش را دوست بدارند و بدا به حال کسی که با آنان دشمنی و کینه‌ورزی کند.^(۱)

با توجه به این روایات، فرزندان حضرت رسول صلی الله علیه و آله که همه از نسل فاطمه زهرا علیها السلام هستند مورد توجه و

عنایت خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند؛ البته به شرط اینکه مقام خود را حفظ کرده و

۱. امالی، شیخ طوسی، انتشارات دارالتقافة، قم، ۱۴۱۶ ق، ص ۴۹۹، بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۴۶.

مایه افتخار آن حضرت باشند.

مهم‌ترین شرط احترام به

سادات

آری مهم‌تر از احترام به سادات، شرطی است که امام رضا علیه السلام در ملاقات حسین بن خالد به او یاد آور شده و با بیان اهمیت دوستی و احترام به سادات، فرمود: «نگاه کردن به فرزندان و ذریه‌های ما عبادت است.» از امام سؤال شد: «ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله، آیا نگاه به امامان اهل بیت علیهم السلام که از شما خانواده هستند، عبادت است یا نگاه به تمام کسانی که از نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله وجود آمده‌اند؟! امام رضا علیه السلام در ادامه فرمود: «بَلِّغِ النَّظْرَ إِلَى جَمِيعِ ذُرِّيَةِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله عِبَادَةً مَا لَمْ يُفَارِقُوا مِنْهَا جَهْدًا وَ لَمْ يَتَلَوُّوا بِالْمَعَاصِي»^(۲) بلکه نگاه به تمامی ذریه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عبادت محسوب می‌شود تا زمانی که خود را به گناه نیالیند و از راه پیامبر جدا نشوند.»

۲. قَالَ النَّظْرُ إِلَى ذُرِّيَّتِنَا عِبَادَةٌ فَفَعِّلْ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ النَّظْرَ إِلَى الْأَيْمَةِ مِنْكُمْ عِبَادَةٌ أَوْ النَّظْرَ إِلَى جَمِيعِ ذُرِّيَةِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ بَلِ النَّظْرُ إِلَى جَمِيعِ ذُرِّيَةِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله عِبَادَةٌ مَا لَمْ يُفَارِقُوا مِنْهَا جَهْدًا وَ لَمْ يَتَلَوُّوا بِالْمَعَاصِي (عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ۵۱، باب فیما جاء عن الرضا علیه السلام من الأخبار المجموعه).



این آیه، مهم‌ترین چراغ راه است که می‌فرماید: «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ»^(۱) «در حقیقت، نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم علیه السلام [نه فرزندان نسبی بلکه]، همان کسانی هستند که او را [در اندیشه و عمل] پیروی کرده‌اند.» و همچنین در گفت و شنودی که خداوند متعال با حضرت نوح دارد باز به این حقیقت تأکید می‌شود که پیامبرزاده بودن ملاک افضلیت نیست؛ بلکه عمل و کردار صالح مهم است. خداوند می‌فرماید: «وَسَادَى نُوحٍ وَرَبُّهُ فَفَال رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَ إِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَ أَنْتَ أَحْكَمُ الْخَاكِمِينَ * قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ»^(۲) «و نوح پروردگار خود را ندا داد و گفت: «پروردگار! پسر من از کسان من است و قطعاً وعده تو راست است و تو بهترین داورانی.» خداوند فرمود: «ای نوح! او در حقیقت از کسان تو نیست، او [دارای] کرداری ناشایسته است.» سرزنش قرآن از همسران دو پیامبر بزرگ الهی (هود و لوط علیهم السلام)، ابولهب و همسر وی که از بستگان نزدیک پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بودند و تجلیل از بلال حبشی

آیا اسلام، تقوا محور است یا فامیل محور؟

بعضی چنین می‌پندارند که وقتی آقازاده و یا امامزاده باشند، به سبب عظمت و موقعیت ویژه خانواده‌هایشان، رتبه خاصی در اجتماع مسلمانان دارند و دیگر نیازی به رعایت قوانین جامعه ندارند و اگر مرتکب خلاف شدند باید در حاشیه امن قرار گیرند و مصونیت ویژه‌ای داشته باشند و همچنین ضرورتی برای کسب فضایل و داشتن امتیازات معنوی و اجتماعی ندارند و عموم مردم موظف‌اند که آنان را تکریم کنند و به آنان به دیده احترام بنگرند؛ گر چه در راه صحیح هم نباشند.

در اینجا این موضوع را با توجه به کتاب و سنت به طور اجمال بررسی می‌کنیم:

الف. در قرآن

اعتقاد ما بر اساس آیات قرآنی این است که در تکریم شخصیت جایگاه افراد در جامعه اسلامی، فقط فرزند حضرت فاطمه علیها السلام و سید بودن کافی نیست؛ بلکه باید از نظر فکری و اعتقادی و عملی هم باید تابع حضرت زهرا علیها السلام بود؛ زیرا

۱. آل عمران/۳۸.

۲. هود/۴۵ و ۴۶.

ب. در سیره اهل بیت علیهم السلام

اما سیره اهل بیت علیهم السلام در این زمینه - که بر گرفته از معارف قرآنی است - دقیقاً بر خلاف این پندار باطل است. آن گرامیان هرگز جامعه اسلامی و مصالح نظام اسلامی را فدای فرد نمی کردند؛ حتی آن فرد از نزدیک ترین یاران و محبوب ترین عضو خانواده شان باشد. به مواردی در این باره توجه کنید:

۱. در روایتی آمده است: هنگامی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله دست دزدی را قطع کرد، برخی گفتند: یا رسول الله! ما از شما انتظار نداشتیم که به این شدت عمل کنید! رسول خدا صلی الله علیه و آله با قاطعیت تمام فرمود: «لَوْ سَرَقَتْ فَاطِمَةُ لَقَطَعْتُهَا»^(۲) «اگر دخترم فاطمه هم دست به سرقت بزند دستش را قطع می کنم».

۲. همچنین هنگامی که فاطمه مخزومیه، زنی از اشراف قریش از قبيله ۲. لباب التأویل فی معانی التنزیل، علاء الدین علی بن محمد بغدادی، نشر دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۴۰؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید معتزلی، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۰، ص ۱۹؛ قاموس الرجال، شیخ محمد تقی تستری، نشر اسلامی، ۱۴۱۹ ق، قم، ج ۲، ۳۱۲ و السنن الکبری، احمد بن شعیب نسائی، ۱۴۱۱ ق، نشر دار الکتب العلمیه، بیروت، ج ۸، ص ۷۳.

و سلمان فارسی و اویس قرنی که حتی هم وطن پیامبر صلی الله علیه و آله هم نبودند، این حقیقت را می رساند که ارتباط نسبی و یا سببی با پیامبران الهی و خاندان رسول صلی الله علیه و آله و حضرت زهرا علیها السلام نمی تواند به تنهایی باعث رفعت انسانها به سوی کمال بشود؛ بلکه آنان نیز باید مثل دیگران در پیمودن راه حق و حقیقت تلاش کنند و حتی بیش تر از دیگران. خداوند متعال چنان بر این موضوع تأکید می ورزد که حتی وجود مقدس رسول اکرم صلی الله علیه و آله را نیز تهدید کرده است و هشدار می دهد که اگر از صراط مستقیم الهی منحرف شود از مجازات خداوندی در امان نخواهد بود و در سوره حاقه می فرماید: «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ * لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ * ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ * فَمَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ»^(۱) اگر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سخنی دروغ بر ما می بست، * ما او را با قدرت می گرفتیم، * سپس رگ قلبش را قطع می کردیم، و هیچ کس از شما نمی توانست از [مجازات] او مانع شود!»



عتاب به عبیدالله بن عباس - یکی از مدیران حکومت علوی - می‌فرماید: «وَاللَّهِ لَوْ أَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ فَعَلَا مِثْلَ الَّذِي فَعَلْتُ، مَا كَانَتْ لَهُمَا عِنْدِي هَوَادَةٌ وَلَا ظَنَفِرًا مِثْلِي بِإِزَادَةِ حَيِّ أَحَدٍ الْحَقِّ مِنْهُمَا وَأَزِيحِ الْبُاطِلِ عَنْ مَظْلَمَتَيْهِمَا!»^(۲) به خدا قسم! اگر حسن و حسین چنان بکنند که تو کردی (به بیت‌المال خیانت کنند) از من، روی خوش نمی‌بینند و به آرزو نمی‌رسند تا آنکه حق را از آنان باز پس ستانم و باطلی را که از ظلمشان پدید آمده نابود سازم.»

۴. علی بن ابی رافع مسئول بیت‌المال امیرالمؤمنین^{علیه السلام} می‌گوید که دختر حضرت^(۳) یک گردنبند مروارید در روزهای عید قربان به امانت تضمین شده از من گرفت که پس از

۲. نهج البلاغه، نامه ۴۱، و من کتاب له^{علیه السلام} إلى بعض غمّاله.

۳. ناکفته نماند که مراد در این روایت، قطعاً غیر از حضرت زینب^{علیها السلام} و ام کلثوم^{علیها السلام} (دو دختر حضرت زهرا^{علیها السلام} و امام علی^{علیه السلام}) است. که مقامات معنوی آنان اجل از این رفتارهاست؛ چرا که امام^{علیه السلام} در دوران حکومت خود، دختران دیگری به نامهای ام الحسن، رمله، رقیه، نفیسه، جمانه، ام هانی، ام کرام، و ... (الإرشاد، ج ۱، ص ۳۵۴) از دیگر همسران خود داشته، که ممکن است یکی از آنان باشد.

بنی‌مخزوم دست به دزدی زد، قرار شد که بر او حد الهی جاری شود. افرادی از قریش به تکاپو افتادند و اسامه بن زید - از یاران نزدیک پیامبر^{صلی الله علیه و آله} - را واسطه قرار دادند تا پیامبر^{صلی الله علیه و آله} این اشراف‌زاده را در حاشیه امن قرار دهد. وقتی اسامه در این زمینه با حضرت سخن گفت: پیامبر رحمت، چنان بر آشفت و ناراحت شد که به اسامه نهیب زد: «أَتَشْفَعُ فِي حَدِّ مَنْ حُدِّدَ لَهُ مِنْ حَدِّ اللَّهِ؟» آیا درباره حدی از حدود الهی [با من چانه می‌زنی و] شفاعت می‌کنی؟! بعد رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} بالای منبر رفت و خطبه خواند و در ضمن سخنانش فرموده: «اقوام پیشین که هلاک شدند برای این بود که خلافکاری و فقط دزدی اشراف و اشراف‌زادگان را نادیده می‌گرفتند و خلافکاران ضعیف و بیچاره [و آفتابه‌دزدان] را مجازات می‌کردند. بعد با قاطعیت تمام فرمود: «إِيمَ اللَّهِ لَوْ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ سَرَقَتْ لَقَطَعْتُ يَدَيْهَا!»^(۱) به خدا سوگند! اگر فاطمه دختر محمد هم دست به سرقت بزند دستش را قطع می‌کنم.»

۳. امیرمؤمنان^{علیه السلام} در این زمینه با

شَقْرَانِيٌّ إِنَّ الْخَسَنَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ حَسَنٌ وَإِنَّهُ مِنْكَ أَحْسَنُ، لِمَكَانِكَ مِنَّا، وَإِنَّ الْقَبِيحَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ قَبِيحٌ، وَإِنَّهُ مِنْكَ أَفْحَجُ؛^(۱) ای شقرانی! خوبی از هر کسی، خوب است و از تو بهتر است با توجه به اینکه در نزد ما منزلتی داری، و بدی از هر کس بد است و از تو بدتر است.»

۶. این موضوع از نظر امام رضا علیه السلام هم - با توجه به روایات - کاملاً روشن است. در منظر آن حضرت، اشراف‌زاده بر فقیرزاده هیچ‌گونه برتری ندارد، مگر با تقوا و عمل صالح. امام‌زاده همچنان محاسبه خواهد شد که یک جوان از سایر خانواده‌ها. به این قطعه تاریخی در این باره توجه کنید: روزی امام رضا علیه السلام در مجلس مأمون با عده‌ای از حاضران گفتگو می‌کرد. برادرش زید بن موسی نیز در گوشه‌ای از مجلس عده‌ای را دور خود جمع کرد و برای آنان در فضیلت سادات و اولاد پیغمبر صحبت می‌کرد و افتخار می‌فرمود و مرتب می‌گفت: «ما خانواده چنین هستیم، ما خانواده چنان هستیم!» هنگامی که امام رضا علیه السلام متوجه وی شد و گفته‌های او را شنید،

۱. تهذیب‌الأحكام، شیخ طوسی، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۶۵ ش، ج ۱۰، ص ۱۵۱، باب من الزیادات.

۲. بحار الأنوار، الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۴۷، ص ۳۵۰.

سه روز، آن را بازگرداند. علی علیه السلام آن را برگردن وی دید، برداشت و به من گفت: «در مال مسلمانان خیانت می‌کنی؟» داستان را برای او نقل کردم و گفتم که من آن را از مال خود تضمین کرده‌ام. گفت: «همین امروز آن را باز گردان و اگر بار دیگر چنین کنی به کیفر من گرفتار خواهی شد.» سپس فرمود: «لَوْ كَانَتْ أَخْذَتِ الْعُقْدَ عَلَى غَيْرِ عَارِيَةٍ مَضْمُونَةٍ مَرْدُودَةٍ لَكَانَتْ إِذْنًا أَوَّلَ هَاشِمِيَّةٍ قُطِعَتْ يَدَاهَا فِي سَرِقَةٍ؛ اگر دخترم این گردنبند را جز به صورت امانت تضمین شده گرفته بود، نخستین زن، از بنی هاشم بود که دستش به جرم سرقت بریده می‌شد.» دخترش در این باره سخنی گفت، علی علیه السلام به او گفت: «ای دختر علی بن ابی طالب! از قبول حق سر باز مزن! آیا همه زنان مهاجر در این عید از چنین گردنبندی استفاده می‌کنند؟»^(۱)

۵. سخن امام صادق علیه السلام به شقرانی هم، مؤید این مدعاست. آن حضرت به سبب نسبتی که شقرانی با اهل بیت علیهم السلام داشت. به وی این‌گونه هشدار داد: «يَا



تو هم از فرمان خدا سرپیچی می‌کنی، با این حال هر دوی شما اهل سعادت و بهشت خواهید شد، [او با عمل به مقام سعادت رسیده و تویی عمل به آنجا خواهی رسید؟] علی بن حسین علیه السلام می‌گفت: نیکوکار ما اهل بیت پیامبر، دو برابر اجر دارد و بدکار ما دو برابر عذاب خواهد داشت.^(۲)

۷. برخورد شدید حضرت امام زمان علیه السلام با جعفر کذاب - پسر حضرت هادی و برادر امام عسکری علیه السلام - هم که بر همگان روشن و واضح است.

با توجه به مطالب پیشین - در قرآن و سنت - روشن است که فرزندان بانوی دو عالم، اگر راه و روش آن گرامی و اجداد ظاهرینشان را ادامه دهند، همه فضایل گفته شده در روایات را دارا هستند و گرنه در وادی گمراهی و ضلالت ابدی خواهند بود؛ به عبارت دیگر، روایات تکریم، عام و مطلق‌اند و این روایات دسته دوم، آنها را مشروط و مقید می‌کند؛ یعنی احترام سادات به شرط رعایت حدود الهی و حقوق مردم بر همه لازم است، و گرنه، نه.^(۳)

با صدای بلند، او را صدا کرده و همه اهل مجلس را متوجه خود کرد سپس به زید فرمود:

«يَا زَيْدُ أَعْرَكَ قَوْلَ نَاقِلِي الْكُوفَةِ إِنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ أَحْصَتْ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ دُرِّيَّهَا عَلَى النَّارِ فَوَاللَّهِ مَا ذَلِكَ إِلَّا لِلْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَوَلَدِ بَطْنِهَا خَاصَّةً وَ أَمَّا أَنْ يَكُونَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يُطْبِعُ اللَّهَ وَيَصُومُ نَهَارَهُ وَيَقُومُ لَيْلَهُ وَ تَعَصِيهِ أَنْتَ ثُمَّ تَجِيئَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سَوَاءً لَأَنْتَ أَعَزُّ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْهُ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ كَانَ يَقُولُ لِمُحْسِنَاتِنَا كِفْلَانٍ مِنَ الْأَجْرِ وَ لِمُسِيئَاتِنَا ضِعْفَانٍ مِنَ الْعَذَابِ»^(۱) ای زید! سخن نقالان کوفه تو را مغرور کرده که می‌گویند: خداوند ذریه فاطمه علیها السلام را از آتش جهنم مصونیت بخشیده است؟! به خدا قسم آنچه شنیده‌ای، مقصود فرزندان بی‌واسطه فاطمه علیها السلام یعنی حسن و حسین علیهما السلام و دو خواهر ایشان است. [اگر گفته تو درست باشد که همه اولاد فاطمه علیها السلام مصونیت دارند، آن وقت تو از پدرت موسی بن جعفر علیهما السلام نزد خداوند عزیزتر و گرامی‌تر خواهی بود؛ چرا که] او خدا را اطاعت می‌کرد، روزها روزه می‌گرفت شبها به عبادت می‌پرداخت و

۱. همان، ج ۹۴، ص ۸۱۲

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۴۲.

۳. لازم به توضیح است که روایتی در کتاب تاریخ

گذشته و حال در جوامع اسلامی به کج‌راهه رفته و از موقعیت خود سوء استفاده کرده‌اند.

عبدالرحمن جامی چه نیک گفته است:

هر پسر کو از پدر لافد، نه از فضل و هنر

فی المثل گردیده را مردم بود، نامردم است

شاخ بی بر، گر چه باشد از درخت میوه‌دار

چون نیارد میوه و بر، در شمار هیزم است

در اینجا یک نمونه از وقایع معروف را از صفحات تاریخ مرور می‌کنیم:

پاسخ لطیف علامه حلّی به سید موصلی

روزی علامه حلّی در مجلس سلطان محمد خدا بنده، با علمای مذاهب اهل تسنن بحث و مناظره می‌کرد. در پایان بحث و مناظره و بیان حقیقت مذهب شیعه امامیه، علامه خطبه بلیغی مشتمل بر ستایش خداوند و درود بر پیغمبر خاتم و ائمه طاهرین علیهم‌السلام ایراد کرد؛ چون به نام ائمه اطهار علیهم‌السلام رسید بر آن ذوات مقدس درود فرستاد. سیدی از علمای موصل که پیرو مذهب تسنن و مردی ناصبی و دشمن خاندان پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود، نیز در مجلس شاه حضور داشت.

مثلاً برخی از علویان در «اندوژی» از بقایای فرقه‌های بداندیش و گمراه خوارج و نواصب هستند!!^(۱) و دیده شده است که متأسفانه برخی از سادات منسوب به اهل بیت علیهم‌السلام، در

قم ص ۳۰۶ آمده و مشهور شده است که امام عسکری علیه‌السلام درباره سید حسین از نوادگان امام صادق علیه‌السلام - که در ملا عام شراب می‌نوشید - به احمد بن اسحاق قمی فرمود: که او را به هر حال احترام کن و گرنه گرفتار خواهی شد. اولاً: سندش ضعیف است؛ زیرا این منبع به تنهایی قابل اعتماد نیست و مؤلفش در کتابهای رجالی متقدم ناشناخته است، و ثانیاً: محتوایش هم با عقل و منطق سازگار نیست؛ ثالثاً: با آیات قرآن در تضاد است؛ زیرا خداوند که درباره اشرف مخلوقات، چنان سختگیری می‌کند که جمله «لَا أَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ * ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ»^(۲) به کار می‌برد آیا درباره فرزنداناش مسامحه می‌کند؟! رابعاً: سیره اهل بیت علیهم‌السلام این‌گونه نبوده و آن بزرگواران در عدالت، نمونه تاریخ بودند. آیا می‌شود نسبت به خطای فرزندان خود چشم‌پوشی و این همه مسامحه کنند. اما در باره دیگران سختگیری تمام بکنند. خامساً: با روایات بسیاری در حال تعارض است که تأکید در مجازات و سختگیری و عدم رعایت حرمت مطلق خطاکاران دارد که به برخی در متن اشاره شده است. اساساً فرهنگ قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام بر تقوا محوری بنا شده است، نه بر فامیل و نسب‌محوری. از اینجا پاسخ سایر روایات از این دست نیز معلوم می‌شود.

۱. فاطمه الزهراء از ولادت تا شهادت، سید محمد کاظم قزوینی، نشر مرتضی، ۱۳۷۷ش، ص ۱۱۷-۱۱۹.



میان آنها پیدا شود که بیگانگان را بر آنها مقدم دارد و برتر بداند تا جایی که حاضر نباشد فضایل پدران پاکزاد خود را بشنود؟!» حاضران مجلس همگی از پاسخ به موقع علامه خندیدند و به حاضر جوابی و هوشمندی علامه حلی آفرین گفتند و به ریشخند سید موصلی پرداختند. یکی از دانشمندان مجلس، شعر زیر را به این مناسبت سرود:

إِذَا الْعُلُوُّ تَابَعَ نَاصِبِيًّا

بِمَذْهَبِهِ، فَمَا هُوَ مِنْ أَبِيهِ

وَكَانَ الْكَلْبُ خَيْرًا مِنْهُ حَقًّا

لِأَنَّ الْكَلْبَ طَبِعَ أَبِيهِ فِيهِ^(۱)

سعدی هم در این باره گفته

است:

با بدان یار گشت پسر نوح

خاندان نبوتش گم شد

سگ اصحاب کهف روزی چند

پی نیکان گرفت و مردم شد

سید موصلی ساکت نشسته بود و به سخنان علامه حلی، پیشوای دانشمندان شیعه گوش می داد.

همین که علامه به نام ائمه اطهار^{علیهم السلام} رسید و بر آنان صلوات فرستاد. سید موصلی برآشفت و چون بهانه خوبی به دست آورده بود، رو کرد به علامه و گفت: «شما شیعیان چه دلیلی دارید که بر غیر پیغمبران الهی هم صلوات و درود می فرستید؟» علامه بدون درنگ فرمود: دلیل ما این آیه قرآن است که می فرماید: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابْتَهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ * أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْتَدُونَ»^(۱) کسانی که هر گاه مصیبتی به آنها می رسد می گویند: ما از آن خداییم و به سوی او بازگشت می کنیم * درود و رحمت خداوند بر آنان باد، و آنها راه یافتگان هستند.»

سید موصلی با عصبانیت گفت:

«کدام مصیبت به خاندان پیغمبر و امامان شما رسیده است که طبق این آیه، شایسته درود الهی باشند؟» علامه فرمود: «آیا مصیبتی سخت تر و دردناک تر از این است که مانند تو فرزند ناهلی از

۱. بقره/۱۵۶ و ۱۵۷.

۲. روضات الجنات، سید محمد باقر خوانساری، نشر اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۰ ق، ج ۲، ص ۲۸۴ و داستانهای ما، علی دوانی، نشر ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۹ ش، ج ۳، ص ۶۳. اگر سید علوی از لحاظ مذهب، پیرو شخصی ناصبی باشد، فرزند پدرش نیست. سگ از او بهتر است؛ زیرا سگ، حالت پدرش را حفظ می کند.